



## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره  
موضوع جزئی: آیه ۴۳ \_ تکلیف اول \_ معنای اقامه الصلاة \_  
وجه قرار دادن نماز به عنوان تکلیف \_ دلالت آیه بر تکلیف کفار به فروع  
تاریخ: ۲۳ آذر ۱۴۰۰  
مصادف با: ۹ جمادی الاول ۱۴۴۳  
جلسه: ۲۷

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم در این آیه سه تکلیف بیان شده که عبارت است از «إقامة الصلاة»، «إيتاء الزكاة» و «ركوع مع الراكعين». در مورد تکلیف اول گفتیم چند مطلب باید مورد رسیدگی قرار گیرد. یکی اینکه اساسا صلاة در این آیه که خداوند یهودیان و بنی اسرائیل را مکلف به آن کرده، آیا صلاة خود آنها است یا روح صلاة و خضوع و خشوع و یا صلاة رایج و متداول بین مسلمین؟ گفتیم منظور از صلاة همین نمازی است که در بین مسلمانان رواج دارد.

### معنای اقامه الصلاة

مطلب دیگر اینکه اینجا امر به اقامه صلاة شده و اقامه صلاة غیر از أداء الصلاة و قرائة الصلاة است. فرق بین این دو اجمالا معلوم است. اینکه تکلیف به خواندن نماز باشد، مثلا کسی خودش نماز بخواند با شرایطی که در آن معتبر است، این فریضه را ادا کند. یا تعبیر قرائت الصلاة یعنی خواندن نماز. اما تعبیر به اقامه الصلاة که در فارسی به برپا داشتن نماز ترجمه شده، تا حدودی شاید معنای متفاوتی پیدا می کند.

**معنای اول:** اقامه الصلاة و برپا داشتن نماز، یعنی احیاء امر نماز. اینکه شرایط نماز حقیقی در جامعه فراهم شود. یا می تواند به این معنا باشد که حق نماز را آنگونه که هست ادا کنند. پس اقامه الصلاة به معنای برپاداشتن نماز است که این شاید یکی از مهمترین وظایف است. در سوره حج آمده «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»<sup>۱</sup> یعنی کسانی که به آنها قدرت دادیم اقامه نماز می کنند؛ طبیعتا کاری که صاحبان مکتت و قدرت درباره نماز انجام می دهند، این است امر نماز را برپا دارند و آن را احیاء کنند. به هر چیزی که ممکن است منجر به رواج این فریضه الهی شود کمک می کنند. این هم ابزارهای مادی دارد و هم ابزارهای معنوی. هم می تواند مستقیم و مباشر باشد و هم غیر مستقیم که ما فعلا وارد این بحث نمی شویم. اما یک معنا و مفهوم از اقامه صلاة قطعا احیاء امر نماز است. لذا شما در آیات متعددی از قرآن هم می بینید که بحث اقامه صلاة مطرح شده است. اقیموا الصلاة در آیات متعدد بکار رفته یا در آن دعایی که از خدا طلب می کند و می گوید رب اجعلنی مقيم الصلاة، یعنی من را مقيم صلاة قرار بده، معلوم است که

۱. سوره حج، آیه ۴۱.

این دعا در صدد این نیست که از خدا بخواهد من نماز بخوانم، می‌گوید من را از اقامه کنندگان صلاة قرار بده. پس یک معنای اقامه الصلاة احیاء و برپا کردن نماز با تمهید مقدمات و کمک به رواج این فریضه الهی است.

**معنای دوم:** معنای دیگری از اقامه الصلاة هم شاید این باشد که نماز را آنگونه که شایسته و سزاوار است بخوانید. یعنی با تحصیل شرایط ظاهری و خصوصیتی که باید به حسب واقع برای نماز فراهم شود. بالاخره حضور قلب لازم است، خشوع قلب و تمرکز می‌خواهد و اینکه انسان از غیر خدا ذهنش را فارغ کند و تنها متوجه خداوند تبارک و تعالی کند. حال آنچه که در این آیه خداوند تبارک و تعالی خطاب به بنی اسرائیل بیان فرموده که و أقيموا الصلاة، آیا آن معنا و احتمال اول و منظور است یا این احتمال دوم؟ به نظر می‌رسد همان احتمال اول که شما جزء احیاء کنندگان امر نماز باشید منظور است. من میخواهم عرض کنم این احتمال و معنای دوم هم به نوعی بر می‌گردد به همان معنای اول. یعنی اینکه خواندن نماز با حضور قلب و همه شرایط به نحو کامل هم مرتبه ای از احیاء است. کأن احیاء واجد مراتب و امری تشکیکی است. خداوند در این آیه از آنها میخواهد که شما امر نماز را احیاء کنید و این ذو مراتب است. یک مرتبه این است که خودتان نماز بخوانید با حضور قلب و شرایط لازم. بالاتر از این شما باید اساساً به ترویج نماز، به اشاعه نماز و فراهم کردن مقدمات نماز بپردازید. ظاهر معنای اقامه الصلاة در اینجا این است.

خواهم گفت که در امر به دادن زکات و رکوع همراه راکعین هم همین جهت وجود دارد و آنگاه سنخیتی بین این سه تکلیفی که خداوند در اینجا بیان کرده مشاهده می‌شود.

### **وجه قرار دادن نماز به عنوان اولین تکلیف**

مطلب سومی که باز مربوط به این بخش است، این است که چرا خداوند متعال اولین تکلیفی که متوجه یهودیان کرد نماز بود؟ چرا از میان تکالیف و فروعی که خداوند از آنها مطالبه کرد، با نماز آغاز کرد؟ چون تا اینجا سخن از دعوت به اعتقاد به اصول سه گانه و باور های دینی بود. اینکه اعتقاد به مبدأ و معاد و نبوت پیدا کنید و سپس سخن از ایمان به میان آمد. حال دارد آنها را دعوت به انجام مناسک می‌کند. اولین فریضه ای که از عبادات خداوند متعال در اینجا ذکر کرده نماز است، حال چرا چنین کرد؟

این دیگر معلوم است و به نظر میرسد که نیاز به توضیح ندارد. صلاة به عنوان عمود خیمه دین و ستون بنای دین معرفی شده است. اگر چیزی ستون یک بنا و عمود یک خیمه باشد، تا برپا نشود آن خیمه و بنا استقرار پیدا نمی‌کند. خداوند متعال اگر از یهودیان میخواهد که با نماز شروع کنند، برای این است که نماز مهمترین و عمیق ترین وسیله ارتباطی بین انسان با خدا است. نماز ضمن اینکه انسان را به طور دائم و روزانه و در چند نوبت با خداوند متعال متصل می‌کند، اگر با شرایط و ضوابط صحیح انجام شود و با حضور قلب باشد، در سایر ابعاد زندگی انسان هم اثر می‌گذارد. اینکه میفرماید إن الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر، یعنی اینکه صلاة مهمترین عامل بازدارنده انسان از فحشا و منکر است. همان چیزی که مقصد اصلی شریعت و انبیاء و کتاب های آسمانی است که انسان ها به سوی خیرات شتاب کنند و از

بدی ها و منکرات اجتناب کنند. نماز یک عامل بازدارنده بسیار قوی در برابر بدی ها زشتی هاست. اینکه انسان در گرداب فحشا و منکر غرق شود خدای ناکرده، نماز یک عامل بازدارنده بسیار قوی محسوب می‌شود. اگر بخواهیم در باب اهمیت نماز سخن بگوییم، مطلب زیاد است. اما همین مقدار که اشاره کردیم کافی است. اگر یهودیان مأمور می‌شوند به اینکه خدا را عبادت کنند و اولین دستوری که به آن‌ها داده می‌شود نماز است، بخاطر ابعاد سلبی و ایجابی آن است. و این در حقیقت رکنی است که مسلمان می‌تواند به آن تکیه کند و بر اساس آن به طور مستمر هم شوق و علاقه به خیرات در او تقویت شود و هم از افتادن در دام فحشاء و منکر خود را حفظ کند.

### **دلالت آیه بر تکلیف کفار به فروع**

#### **دیدگاه اول**

مطلب دیگری که اختصاص به این تکلیف ندارد و در مورد دو تکلیف دیگر هم قابل تطبیق است. این است که برخی این آیه را دلیل بر مکلف دانستن کفار به فروع دانستند. می‌گویند خود اینکه خداوند متعال به یهودیان و اهل کتاب امر به اقامه نماز و ایتاء زکات کرده، نشانه این است که کفار می‌توانند به فروع مکلف شوند. اینکه این آیه چگونه دلالت دارد بر تکلیف کفار به فروع، مطلبی است که بسیاری از مفسرین به آن اشاره کرده اند. مثلاً فخر رازی تصریح به این مطلب کرده که کفار مکلف به فروع شرایع هم هستند علاوه بر اصول. دلیلش هم این است که خداوند متعال به این کفار که هنوز ایمان نیاوردند، امر به اقامه نماز کرده است. چون اول آن‌ها را مورد خطاب قرار داد به خود شریعت و دعوت به خود شریعت کرد، «آمَنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ بِهِ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ». یعنی به اصل شریعت آن‌ها را دعوت کرد و سپس هم میفرماید «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ». این خودش بهترین دلیل بر این است که کفار می‌توانند مکلف به فروع واقع شوند.<sup>۱</sup>

#### **دیدگاه دوم**

در مقابل برخی هم معتقدند که این دلالت بر جواز تکلیف به فروع ندارد برای اینکه خداوند متعال اینجا الان آن‌ها را مخاطب قرار داده لکن اول از آن‌ها خواسته ایمان بیاورند. دعوت به ایمان و امر به ایمان به ما أَنْزَلْتُ بِهِ معلوم است که تکلیف به یک فرع نیست بلکه تکلیف به خود شریعت است. بعد که می‌گوید «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» در واقع بعد از اینکه آن‌ها ایمان آوردند، آنگاه باید نماز بجا بیاورید. یعنی امر به إقامة الصلاة امری فعلی نیست، بلکه امری است که علی تقدیر معنا پیدا می‌کند. می‌گوید اگر ایمان آوردید «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِيْنَ». در حقیقت هم دعوت به خود شریعت می‌کند و هم مناسک آن. کسی گمان نکند که اینجا وقتی دعوت به شریعت می‌کند دیگر دعوت به مناسک معنا ندارد، بلکه لازمه قهری دعوت به شریعت این است که به آن مناسک هم عمل کنند. چون خداوند دارد برنامه خودش را برای آن‌ها بیان می‌کند و اینکه تشریح می‌کند که شما باید ایمان به خداوند بیاورید، ایمان به رسول و

۱. تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۴۴.

کتاب آسمانی او بیاورید، ایمان بیاورید به آنچه که در کتاب های شما درباره حق گفته شده و آنگاه از آنها درخواست می‌کند که نماز و زکات و رکوع را اتیان کنند. بنابراین ظهور در این ندارد که کفار هم مکلف به فروع شریعت باشند.

### حق در مسئله

اما به نظر می‌رسد که حق همان دیدگاه اول است. در بحث قواعد فقهی بحثی تحت این عنوان مطرح است که آیا کفار مکلف به فروع هستند یا خیر. آنجا ادله متفاوتی ذکر شده از جمله بعضی از همین آیات قرآن و ما در مباحث مربوط به حکم این مسئله را مورد بررسی قرار دادیم و دلالت بعضی از آیات را بر اینکه کفار مکلف به فروع هستند را پذیرفتیم. بنابراین ظاهر آیه اقتضا می‌کند که این امر متوجه آنها است بالفعل. از آنها می‌خواهد این‌ها نماز را اقامه کنند. منتهی این بحث جزییاتی دارد که در جای خودش بیان می‌شود.

### بحث جلسه آینده

تکلیف دوم ایتاء زکات است. ما در مورد ایتاء زکات هم چند بحث داریم نظیر آنچه که در بخش اول گفتیم. یکی اینکه زکات به چه معناست، دوم اینکه ایتاء زکات به چه معناست، سوم اینکه چرا بعد از ذکر نماز اولین تکلیفی که خداوند به آن امر کرده زکات است. البته در این‌ها بحث‌ها جهاتی هم وجود دارد مانند اینکه آیا اینهم دلالت بر تکلیف کفار به فروع می‌کند یا خیر.

یعنی در واقع همان چهار سوالی که پیرامون تکلیف اول مطرح بود، درباره تکلیف دوم هم مطرح است که انشاءالله در جلسه آینده به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»